



مرستریخ ظرفیت امیدبخش
کشور، نیرو و انسانر مستعد و
کارآمد، با زیربنار عمیق و
اصیل ایمانر و دینر است
مقام معظم رهبری

صاحب امتیاز :

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

پردیس رسالت زاهدان

مدیر مسئول : فاطمه ظهیری

سردبیر : زهرا غفران پاکدل

طراح و صفحه آرا : مطهره شهرکی

هیئت تحریریه:

محدثه پسکوهی

مهدیه خدری

زهرا انور

مبینا جهانتیغ

وحیده قاسمی

الهام اسدی

فاطمه راشکی

زینب کریمی

راضیه اسکندری

فاطمه ظهیری



فهرست

- | | |
|----|------------------------------------|
| ۳ | سخن سردبیر |
| ۴ | همسفرانه |
| ۶ | کرونآپ |
| ۷ | فانوس |
| ۹ | خانم اجازه! انت چیه؟! |
| ۱۰ | شیدا |
| ۱۲ | طب اسلامی و کرونا |
| ۱۳ | درخت بی ثمر بشکسته بهتر |
| ۱۵ | معلمانه |
| ۱۶ | رتبه بندی یا بازی با اعتبار معلم؟! |
| ۱۸ | کتاب خوب |



سخن سردبیر

با سیاس و ثنای بی حد بر آستان صفات بی همتای احدیت و با استعانت از درگاه بی کرانش افتخار همراه شدن با شما عزیزان در نشریه مدار نصیب بنده شد. یکی از مهم ترین اسناد تدوین شده در حوزه تعلیم و تربیت بی شک سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است؛ این سند کامل ترین سند و نقشه راه آموزش و پرورش به شمار می رود با این حال به نظر می رسد هنوز راه برای شناخت آن و حرکت در مسیر تحقق این سند بسیار است و بسیاری از بدنه آموزش و پرورش شناخت چندانی از این سند ارزشمند ندارند.

باتوجه به اینکه سند تحول همتی است که لازم است باشد اما نیست بر آن شدیم تا در این نشریه ضمن معرفی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اهداف والای آن را نقل کنیم تا بتوانیم زمینه ساز رشد و افزایش آگاهی معلمان آینده کشورمان در راستای عملی شدن و اجرای سند تحول بنیادین باشیم و گام اول مربوط به این امر مهم را برداشته باشیم.

از آنجایی که نظام تعلیم و تربیت سابق ایران برگرفته از نظام آموزش و پرورش غرب بوده و نمی تواند نیروهای تراز اول انقلاب را تربیت کند بزرگانی چون شهید مطهری، باهنر و رجایی که از پیشگامان تحول در آموزش و پرورش بودند، تلاش های بسیاری در این زمینه داشتند.

در اواسط دهه شصت شواری عالی فرهنگی عده ای را برای نگارش سند در این خصوص مامور کرد و سند ملی آموزش و پرورش که بعدها با نام سند تحول بنیادین تکمیل شد و می توان آن را نقشه جامع تحول آموزش و پرورش در افق ۱۴۰۴ به شمار آورد؛ این سند در سال ۱۳۹۰ ابلاغ و در لیست اجرا قرار گرفت. نشریه ما با نام "مدار" که سرواژه (مدرک دگرگونی آموزش و پرورش ریشه ای) است در واقع مترادف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است ما در این شماره نشریه سعی کردیم از گزافه گویی پرهیزیم تا بتوانیم اصل مطلب را به طور روشن و واضح برای مخاطب بیان کرده باشیم.

در آخر از تمام دوستان و همکاران عزیزم که در راستای به ثمر نشاندن این پروژه از هیچ کوششی دریغ نکردند نهایت سپاسگزاری را دارم.

تنتون سالم، دلتون شاد

ارادتمند شما زهرا غفران پاکدل



همسفرانم

ازدواج است رسانه های غربی با رنگ و لعاب دادن و زیبا نشان دادن فرهنگشان و همچنین استفاده ابزاری از زن توانسته توجه بسیاری را به سمت خود جلب کند از جمله جوانان کشور ما متأسفانه جوانان ما امروزه بسیار جذب فرهنگ غرب می شوند و به جای توجه به پیشرفت های علمی و صنعتی آن ها، بیشتر به مفاسد اخلاقی آنها از جمله؛ روابط غلط میان دختر و پسر توجه می کنند و همین امر یکی از دلایل مهم دور شدن از معیارها و آرمانهای انقلاب است.

همانطور که پیشتر ذکر شد ازدواج مسئله وسیع و گسترده ای است.

دو شخص که زندگی مشترک تشکیل می دهند مدت زمانی نیاز است تا رفته رفته با اخلاق، رفتار و عادات یکدیگر آشنا شوند و تغییراتی را در خودشان ایجاد کنند. مسلماً این تغییرات در راستای تداوم زندگی مشترک آن هاست. اما اگر انسان در برابر آنها مقابله کند و اهل تغییر نباشد مشکل به وجود می آید بیشتر اوقات بوده است که؛ دو طرف نخواستند سر یک موضوع کوچک خودشان را تغییر دهند و نتیجه بدی رقم خورده است. فرضاً ما با یکی ۴ سال آشناییم، بعد می رویم ۲ سال هم نامزد می شویم، بعد یکسال هم دوران عقد را می گذرانیم و بعد ازدواج می کنیم یعنی این ۸-۷ سالی که همه چیز تازه و بکر است و طرفین مشغول کشف همدیگر هستند، همه اش در زمانی می گذرد که بی فایده است

ازدواج (نکاح) پیمانی است که به موجب آن یک زن و مرد با هم شریک می شوند و خانواده ای را تشکیل می دهند.

در واقع هدف ازدواج، رسیدن به آرامش و تشکیل خانواده است که تمایل به این امر در نهاد انسان گذاشته شده است. همانطور که در هستی هیچ ذره ای نیست که بیهوده آفریده شده باشد و دارای وظیفه و هدفی نباشد، انسان نیز که گل سرسبد آفرینش است در قبال خداوند، خود و دیگران مسئولیتهای عظیمی بر عهده دارد. یکی از این مسئولیتهای مهم و حساس، مسئولیت در زندگی مشترک است که از جمله وظایف بسیار سنگین می باشد.

در اسلام همسر داری و تربیت فرزند، دارای آداب و احکام ویژهای است و افراد خانواده در این باره وظایف و جایگاه مشخصی دارند که فقط با انجام درست آن مسئولیتهای عدم جابجایی نقش ها در خانواده می توان در خانه محیطی سالم و متعالی برای رسیدن به کمال فراهم کرد. محیطی که در سایه اسلام و انقلاب عظیم ما می تواند سبب رشد شخصیتی و روحی و روانی زن و مرد در زندگی مشترک می شود.

مسئله ازدواج بسیار وسیع و گسترده است و این بار حرف تنها از دلایل ازدواج و مسئولیت های آن نیست بلکه می خواهیم از موضوعی حرف بزنیم که مخاطبانش تنها دختران و پسران مجرد نیستند، مسئله ای که امروزه خانواده ها را نیز درگیر کرده است نحوه ی آشنایی دختران و پسران قبل از



حال هر اندازه که سن مجرد بیش تر باشد آدم سخت تر در دنیای تاهل تغییر می پذیرد زیرا شخصیت وی بیشتر شکل گرفته و امکان تغییر دادنش هم کم تر میشود حجت الاسلام قرائتی در این باره می فرمایند: ((مشکل دو سوم جوانان امروز مسئله ازدواج است، که معتقدم باید دختران در دوران دبیرستان ازدواج کنند... بنده با ازدواج دانشجویی مخالفم و معتقدم ازدواج دبیرستانی را راه اندازی کنیم چرا که با راه اندازی این نوع ازدواج از آسیب های جامعه در امان خواهیم بود. والدین نباید به بهانه نداشتن شغل مناسب، سربازی، مدرک و سن پایین؛ ازدواج فرزندان خود را به تاخیر بیندازند عده ای بر این باورند که ازدواج در سنین پایین، کودک آزاری است اما باید گفت؛ این ازدواج به موقع، برای دختر و پسر عاقل و باحیایی که در سنین نوجوانی ازدواج کرده و عشق را با همسر خود تجربه می کند، لطف بزرگی است، هم به آن نوجوان و همچنین به جامعه! ولی اگر همان دختر یا پسر دور از چشم خانواده رابطه برقرار کند و پس از مدتی این رابطه به جدایی ختم شود و باعث شکست عاطفی فرد در سنین پایین می شود که در بسیاری از موارد، بیشترین آسیب به دختر می رسد و منجر به بی آبرو شدن دختر و خانواده اش افسردگی، ترک تحصیل، آسیب به خود و حتی خودکشی و مصرف مواد می شود، به راستی این عواقب کودک آزاری محسوب می شود یا ازدواج به وقت جوان و نوجوان ما؟! اندکی تأمل!

به همین دلیل است که بعضی ها بعد از یک سال زندگی مشترک از هم جدا می شوند در حقیقت آن اتفاق و آن لذت کشف در آن حدود ۱۰ سال تمام شده و چیزی باقی نمانده چون هدف از این ارتباط و پیوند را خوب درک نکرده اند و گرنه در اسلام خلاف این است و با اجرا کردن توصیه های اسلام، خانواده هیچ وقت رنگ رکود و یک نواختی نمیگیرد بلکه روز به روز اعضای خانواده رشد می کنند و با هم راه رسیدن به کمال حقیقی را طی می کنند. گاهی اوقات هم این روابط و دوستی ها به ازدواج ختم نمی شوند و دو طرف ضربات بدی را متحمل می شوند. لذا آنچه که اسلام و شریعت دین ما در نحوه آشنایی ازدواج باب کرده یعنی همان رسوم سنتی، رسومی قابل تأمل و با ارزشی هستند. وقتی آقا پسری از طرق سنتی به خواستگاری دختری می رود و باهم ازدواج می کنند این ۷-۸ سالی که ذکر شد را می گذرانند و احتمالاً چندین فرزند هم دارند و ادامه اش را هم به یک نحوی می گذرانند، اما در حال حاضر با نفوذ فرهنگ فاسد غربی اوضاع چندان به سامان نیست و طبق آمار زندگی ها اکثراً پایدار نیست. بعد از ازدواج همه چیز شکل دیگری به خود می گیرد و بعد از رفتن به زیر یک سقف، همیشه نیاز به مشورت، راهنمایی و نظر همسر و همسفران هم هست. باید او را هم در همه قضایا در نظر بگیرید. نوع احساس مسئولیت متفاوت است. گفته شد که بعد از ازدواج و شناخت اخلاقیات و روحیات ممکن است نیاز به تغییر باشد



کروناک



همونطور که همه ی ما میدونیم، از اواخر سال ۲۰۱۹ ابتدا در وهان چین و سپس در سایر کشور ها از جمله ایران ویروسی به نام کرونا سر و کله اش پیدا شد و زندگی همه رو تحت شعاع قرار داد. من به منشاء و علت تشکیل کاری ندارم، همون زیاد در موردش شنیدیم. اما من می خوام رابطه ی کرونا رو با آموزش و پرورش بررسی کنم. ربطش به مدرسه ها ، دانشگاه ها، معلمان و اساتید و در آخر به خودمون که تربیت شدگان سنجر تعلیم و تربیت هستیم. اگر به همه ی ما از همون اول؛ که شروع کردیم به یادگرفتن از همون ۶-۵ سالگی که رفتیم پیش دبستانی تا پایان سال های تحصیلی مون در کنار مطالب علمی و درسی که معلممون با تلاش یادمون دادند، درس شریک بودن در مشکلات و درد های هم نوع و هم وطن رو هم می دادند ، شاید الان شاهد این همه مرگ و پرپر شدن نبودیم. اگر همه ما از همون کودکی این رو یاد می گرفتیم که مشکل خونه بغلی و همسایه ، فقط مشکل اونا نیست و هر لحظه ممکنه برای ما هم پیش بیاد، یا اینکه یاد می گرفتیم ما هم تو دردم نوعمون مسئولیم اگر درک میکردیم که نسبت به اطرافون بی تفاوت نباشیم و اگر در ۱۲ سال تحصیل و بعدش در تحصیلات دانشگاهی، رویه سری چیزها به اندازه اهمیت واقعیشون تاکید میکردند ، اگر آموزش و پرورش مثل مسائل علمی، یاد گرفتن اصولی یک سری رفتار های اجتماعی رو هم در دستگاه تعلیم می گنجاند شاید امروز شاهد

پر پر شدن هموطنمون نبودیم. واقعا قابل درک نیست وقتی مسئولین کشور و کادر درمانی و وزارت بهداشت همه یک صدا دارن میگن داخل خونه هامون بمونیم، اگر کار ضروری نداریم نریم بیرون ، نمیدونم واقعا چطوریه که بعضی ها انگار نه انگار که اصلا اتفاقی افتاده به مسافرتاشون، به دید و بازدید هاشون ادامه میدن و اصلا خستگی مدافعان سلامت و کادر درمان و پرپر شدن شهدای سلامت رونمی بینند شاید اگر در دوران تحصیل حس مسئولیت در قبال هم نوع و هم وطن ، سرمشق و تکلیف هر روزمون بود و خودمونو رو مکلف به انجام آن ها میکردیم و اگر در ذهنمان یک سری واژه ها و حس ها نهادینه شده بود و بخشی از وجودمون شده بود، شاید شاهد مرگ کمتری بودیم به نظر من انتشار زیاد کرونا بخشیش به



درست تربیت نشدن و درست یاد نگرفتن یک سری مطالب در دستگاه تعلیم و تربیت است

در آخر از زحمات تمام کادر درمان و جهادگران و بسیجیان جان برکف که برای حفظ جان هم نوع از هیچ کاری دریغ نکردند تشکر میکنم.

الهام اسدی

فانوس



در این مطلب مهم ترین شاخص های دیدگاه رهبر معظم انقلاب، در دیدار با معلمان و فرهنگیان و محورهای مرتبط با آن گردآوری شده است نکته بسیار مهمی که رهبر انقلاب روی آن تاکید دارند ایجاد تحول اساسی در قالب و محتوای نظام آموزش و پرورش بر اساس "سند تحول بنیادین" است لزوم اقدام جدی مسئولان

در خصوص این سند، دفعی الوجود نبودن سند تحول، نیاز داشتن سند تحول به نقشه راه و برنامه عملیاتی، متین بودن سند تحول، لزوم حفظ کردن انسجام سند تحول، لزوم کارگسترده صداوسیما و دیگر دستگاه های تبلیغاتی، فراهم بودن شرایط برای ایجاد و اجرای سند تحول، لزوم تزریق روحیه شادابی و جوانی در معلمان، و لزوم جلوگیری از گسترش غیرمنطقی مدارس غیرانتفاعی نیز از محورهایی است که در بیانات رهبر معظم انقلاب وجود داشت.

مطالبات رهبری از مسئولان و معلمان

۱. توجه به معیشت معلمان

الف) پذیرفتنی نبودن بی توجهی مسئولان به معیشت معلمان

ب) هزینه های آموزش و پرورش، سرمایه گذاری است نه هزینه محض

ج) سوء استفاده برخی، از مشکلات معیشتی جامعه معلمان

د) سوء استفاده دشمن از مسئله معیشت معلمان

۲. توجه به تربیت نسل آینده

الف) به وجود آوردن هویت مستقل ملی و دینی در دانش آموزان مثل دنبال کردن

سیاست مستقل، دنبال کردن اقتصاد مستقل، دنبال کردن فرهنگ مستقل، وابسته نبودن

به دیگران، اعتماد نکردن به دشمن



- (ب) فعال کردن فطرت خدادادی بچه ها
 (ج) زنده کردن مفاهیم جریان ساز مثل: ایمان، اندیشه ورزی
 و فکر کردن، مشارکت اجتماعی
 (د) اصلاح الگوهای مصرف دانش آموزان
 (ه) آموزش ادب
 (و) آموزش تحمل مخالف و صبر
 (ز) آموزش نداشتن زندگی اشرافی
 (ط) تقویت ویژگی های پسندیده در دانش آموزان، مثل: باایمانی، باوقاری، مسئولیت پذیری
 ، مبتکر بودن، شجاع بودن، باحیا بودن ، عاشق مردم بودن، فعال بودن، راستگویی
 ۳. لزوم اجرای سند تحول بنیادین
 الف) لزوم اقدام جـدی مسؤولان در خصوص سند تحول
 ب) دفعی الوجود نبودن سند تحول
 ج) ایجاد تحول اساسی در قالب و محتوای نظام آموزشی
 د) نیاز داشتن سند تحول به نقشه راه و برنامه عملیاتی
 ه) متین بودن سند تحول بنیادین
 و) تایید شدن سند تحول بنیادین توسط کارشناسان خبرگان
 ز) لزوم حفظ کردن انسجام سند تحول
 ط) لزوم آشنا بودن بدنه آموزش و پرورش با سند تحول
 ظ) لزوم تفهیم و تعیین مطالبات سند تحول
 ع) لزوم کارگسترده صداوسیما و دیگر دستگاه های تبلیغاتی
 غ) لزوم گنجاندن سند تحول در سیاست های برنامه ششم توسعه
 ف) فراهم بودن شرایط برای اجرای سند تحول مثل امنیت و ثبات کشور، کم نبودن
 افراد با انگیزه و علاقه مند.
 ۴. لزوم تزریق روحیه شادابی و جوانی در معلم
 ۵. لزوم طراحی نظام آموزش و پرورش
 ۶. لزوم توسعه کمی و کیفی دانشگاه
 فرهنگیان مثل : تولید کننده معلم، بیشتر بودن اهمیت دانشگاه فرهنگیان از دیگر
 دانشگاه ها، لزوم افزایش ظرفیتهای پذیرش دانشگاه فرهنگیان
 ۷. لزوم تکیه بر فنی و حرفه ای
 ۸. لزوم پرهیز از، استفاده کردن نام و نشان های دوران طاغوت

ادامه دارد ...



خالم اجازه! نت چیه؟!

چند وقت پیش با اعلام رسمی شیوع ویروس کرونا در کشور و اعلام وضعیت بحرانی، اقدامات مختلفی برای بهبود وضعیت انجام شد! چرا که حال و هوای خاص جامعه نیاز به برنامه ریزی درست و استفاده از روش های خاص برای ادامه فعالیت های زندگی داردیکی از این اقدامات تعطیلی دانشگاه ها، مدارس و سایر مکان های عمومی از این قبیل بود. در این روزها که مدام تاکید زیادی بر ماندن در خانه می شود مسئولین برای پیشگیری از عقب ماندگی تحصیلی استفاده از امکانات به روز دنیا و تکنولوژی را پیشنهاد کردند، که همان آموزش مجازی نامیده می شود!

آموزشی که از عقب ماندگی درسی جلوگیری می کند، هزینه کمتری دارد، انعطاف پذیر است و به راحتی می توان آموزش را متناسب با فعالیت های خود برنامه ریزی کرد و همچنین اینکه: زمان کمتری صرف می کند ولی باز ضرر هایی هم دارد! انگار؛ چاره ای هم جز این، برای آموزش در این دوران بحرانی وجود ندارد! مایک سوال: آیا همه نقاط کشور به شبکه جهانی اینترنت دسترسی دارند؟! متاسفانه خیر، نقاطی در سرزمین زیبا و پهناور ما وجود دارد که؛ مردم شریف آن نقاط از نبود آنتن؛ که نیازی ملزم در نسل ارتباطات است گلایه می کنند، چه برسد به اینترنت پرسرعت! آموزش مجازی با همه فوایدی که دارد، البته که معایبی هم در این میان با خود به همراه دارد:

- (۱) عدم تعامل بین یاد دهنده و یاد گیرنده
- (۲) عدم توجه به بعد تربیتی و رشد فرهنگی، اجتماعی، معنوی و...
- (۳) پایین بودن سرانه دسترسی به اینترنت و تلفن همراه هوشمند و... که این مورد بیشتر به دانش آموزان مربوط است.
- (۴) عدم همخوانی امکانات مخابرات کشور با استاندارد جهانی
- (۵) نرخ پایین دسترسی به شبکه جهانی اینترنت کشور
- (۶) نداشتن سواد رسانه ای و کامپیوتری کافی
- (۷) توجه نکردن به مالکیت معنوی: کپی های غیر مجاز، پرداخت هزینه های گزاف برای پیدا کردن مطالب صحیح علمی از جمله آثار این مورد است
- (۸) آسیب جسمانی استفاده طولانی مدت از فضای مجازی و... در میان این معایب شاید بتوان از برخی موارد به علت اوضاع بحرانی عبور کرد اما برخی موارد کاملاً عدالت آموزشی در کشور را زیر سوال می برند! در طول تاریخ این پهنه پر افتخار ما گذر از نهضت تحریم تنباکو، ایستادگی در برابر استبداد و استعمار را آموختیم، در جنگ تحمیلی ۸ ساله در شرایط سخت و بحرانی روی گردانی دیگر کشور ها بار دیگر استقلال و توانایی در زمینه های مختلف علمی را با خود مرور کردیم! یادمان باشد: این نیز بگذرد! خوب، بد، پراز سختی و درد و رنج یا پراز همدلی و مهربانی می گذرد! فقط: چه خوب است اینکه، اگر برای نسل های بعد یا در روزهای بعد که یک چنین اتفاقی افتاد، همانطور که



کرونا به دلیل همه گیر بودنش که شامل همه میشود؛ پیر و جوان، پولدار و بی پول و.. فرقی نمیکند، عدالت را رعایت می کنند، مسئولین هم سعی در برقراری عدالت آموزشی کنند تا هیچ دانش آموزی، دانشجویی قربانی آموزش مجازی نباشد بلکه مثل آن روزهای زیبا: حتی دانش آموزانی با مدرسه کپری، دانشجویانی با دانشگاهی نه چندان استاندارد، جوانانی بامحیط زندگی نامناسب، باحال و هوای اقتصادی ناگوار همه و همه بتوانند از آموزش در هر دورانی عادلانه لذت ببرند و استفاده کنند! بدون اینکه مدام خود را بیگانه از کشور خود ببینند!... روزی که فقط با راه اندازی یک شبکه الکترونیکی آموزش راتمام شده نبینیم و همه سطح کشور را در نظر بگیریم! ما اینجا همچنان به امید روز های خوب تر پا در میدان گذاشته و تا آخر ایستاده ایم...!

محدثه پسکوهی

تَشْبِیر ۱

مقدمه داستان :

وقتی قادر به تغییر بعضی چیز ها نیستی!
روزت را برای عذاب داشتنها و افسوس
داشتن ها، خراب نکن! دنیا همین است ؛
همه ی بادهای آن موافق، همه ی اتفاقات
آن دلنشین ، و همه ی روز های آن خوب
نیست ! اینجا گاهی حتی آب هم سر بالا
می رود.. پس تعجبی ندارد اگر، آدم ها
جوری باشند که؛ تو دوست نداری! گاه
گاهی در انتخاب هایت تجدید نظر کن
فراموش نکن ؛ تو مجاز به انتخاب آدم هایی
نه تغییر آنها ...

سال نو مبارک

"خاطرات یک دانشجو معلم خوابگاهی"
تابستون بود و هوای گرمش... نسیم ملایمی
در جریان بود... پنجره اتاقم باز بود و
پرده صورتی با گلهای ریزی که روش

داشت، تکنون می خورد با صدای مادرم از
خواب پریدم ، که می گفت : پاشو دختر، مگه
تو واسه امروز لحظه شماری نمی کردی !
هنوز گیج خواب بودم و صدای مبهم به
گوشت می رسید ، ولی یک دفعه با هیجان
از جام بلند شدم. امروز قرار بود نتایج کنکور
اعلام بشه ، خیلی سخت درس خونده بودم و
رتبه خوبی هم داشتم.. رشته مورد علاقم
یکم به دست آوردنش سخت بود، ولی من
تموم تلاشم رو برای بدست آوردنش کرده
بودم. با کلی دلهره لب تایم رو برداشتم و
روشنش کردم، با کلی ذوق شماره هامو وارد
کردم، با دیدن نوشته روی صفحه زیبوم بند
اومدم، هیچی نمی تونستم بگم، دوباره به صفحه
لب تایم نگاه کردم و از خوشحالی جیغ
بلندی کشیدم بابا و مامان با شنیدن صدای جیغ
خودشونو به اتاقم رسوندن، مامانم همینجوری
که از ترس صدایش می لرزید گفت : چیه،
چیشده؟! شیدا با توام ، هیچی نمی تونستم
بگم لب تاپ روبه سمتشون گرفتم ، مامان و



بابا با دیدنش خوشحال شده بودند و من رو در آغوش گرفتن!

آرررره، من تونستم، من تونستم تو همون رشته ای که دوست داشتم قبول بشم! دوباره به نوشته [Type here] [Type here] [Type here] صفحه نگاه کردم؛ آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، واحد پردیس رسالت زاهدان... خیلی خوشحال بودم، حتی فکرشم نمی کردم! برای قبولی تو این دانشگاه باید مراحل گزینش و مصاحبه رو رد می کردیم یه جورایی هفت خان رستم... یادمه برای مصاحبه که دعوت شده بودم؛ برای رفتن به مکان مصاحبه، باید به زاهدان می رفتم؛ خاش تا زاهدان فاصله زیادی نداشت و حدود ۲ ساعت طول می کشید. برای اینکه صبح زود خودم رو به مصاحبه برسونم، روز قبل به همراه پدرم به سمت زاهدان حرکت کردیم و به خونه عموم رفتیم. روز مصاحبه کلی استرس داشتم، از شب قبل هم مدارکمو آماده کرده بودم و صبح زود ساعت ۳:۳۰ خودم روبه محل مصاحبه رسوندم.

وارد دانشگاه که شدم، جمعیت زیادی تو محوطه بودن، به یکی از دیوارها تکیه دادم و به فکر فرو رفتم، در افکارم غرق بودم؛ خودم رو سر کلاس با کلی بچه قد و نیم قد تصور می کردم با شنیدن اسمم خودمو جمع و جور کردم و وارد سالن شدم، باید کمی منتظر می موندم تا دوباره اسمم رو صدا بزنن، بعد از چند دقیقه انتظار، با شنیدن دوباره اسمم؛ وارد اتاق مصاحبه شدم مصاحبه اول تخصصی بود؛ چهارتا خانم پشت میز نشسته بودن. چند روزی بود که با خودم تمرین کرده بودم که بدون استرس به همه سوالاشون جواب بدم... یادمه کلی حرف

زدم و هرچهار تا خانم، فقط داشتن به باز و بسته شدن دهنم نگاه میکردند و یک دفعه، یکی از خانم ها صحبت کردنم رو قطع کرد و گفت: میدونی راز موفقیتت چیه؟! منم همینجوری که داشتم سعی می کردم دهنم رو جمع و جور کنم، گفتم نه! با لبخندی به من و همکارانش نگاه کرد و گفت: زبونت! وبعد همه با صدای بلند خندیدند. خیلی خوشحال بودم! بعد از تموم شدن این مصاحبه، به سراغ مصاحبه عمومی رفتم که سوالات مربوط به احکام و ... رو می پرسیدند، الحمدالله این مرحله رو هم تونستم به راحتی ازش رد بشم، به خاطر جمعیت، وقت زیادی رو گذروندم و بین اتاقای زیادی جابجا شده بودم و با کلی خستگی به خونه برگشتم و منتظر امروز ماندم و امروز.. امروز جواب همه زحتمامو گرفتم، من قبول شده بودم...

شروع کلاسها از ۱۲ مهر بود و فقط سه روز برای ثبت نام اولیه وقت داشتم، به خاطر شوق و هیجان زیاد، ساعت ۶ صبح خودم رو به دانشگاه رسونده بودم، هنوز هیچ خبری از ثبت نام نبود، چون یک ساعت قبل از شروع ساعت اداری به دانشگاه رفته بودم.. خب الان یک ساعت وقت داشتم شروع به قدم زدن تو محوطه دانشگاه کردم محوطه زیاد بزرگی نداشت و خیلی زود تونستم همه جا رو ببینم، درختای کاج بزرگ دور تا دور محوطه رو پوشونده بودند، همینجوری که مشغول گشتن بودم چشمم به ساعت افتاد دیگه وقتش شده بود، خیلی زود خودم روبه اتاق مسئول آموزش رسوندم، کم کم داشت به جمعیت اضافه می شدم من هم کارای ثبت نام رو به سرعت انجام دادم و وقتش بود که برای خوابگاه ثبت نام کنم بعد از ثبت نام خوابگاه با خیال راحت به سمت خونه عموم حرکت کردم، روز قبل از شروع کلاسها رفتم خوابگاه



۴- ذکر شریف

" لا حول و القوة الا بالله العلی العظیم "

۵- میل کردن روزانه دم کرده آویشن با عسل در صورت بروز تب بهتر است که آب سیب کال و در صورت نبودن آب سیب معمولی میل شود، و همینطور مصرف دم کرده گل بنفشه هر روز یک لیوان برای از بین بردن تب توصیه می شود.

حدود ۱۳۰۰ سال پیش حضرت محمد (ص) برای جلوگیری از مبتلا شدن مردم به بیماری های واگیر دار که در آن زمان طاعون بوده است توصیه می کردند که اگر شیوع طاعون را در شهری شنیدید وارد آن شهر نشوید و اگر در شهر شماست، از آن خارج نشوید.

ایشان همچنین گفته اند افراد مبتلا به بیماری مصری باید از افراد سالم دور بمانند.

امید است با رعایت این توصیه ها از مبتلا شدن به این بیماری مصون بمانیم.

مبینا جهانتیغ

سه طبقه که؛ توی هر طبقه ۱۶ تا اتاق بود، شماره اتاقم ۳۱۰ و توی طبقه دوم بود چمدون بزرگی برداشته بودم و خودم رو به سختی به اتاق رسوندم ، اتاق خالی بود توی هر اتاق ۱۶ تخت بود، پنجره بزرگی توی اتاق بود که؛ به راحتی می شد محوطه اصلی دانشگاه رو دید من تختی که کنار پنجره بود رو انتخاب کردم، خیلی خسته بودم و نفهمیدم که چجوری خوابم برد ، با صدای باز شدن در و صدای خنده چند نفر بیدار شدم ؛ دو نفر وارد اتاق شدند؛ بهشون سلام دادم و مشغول باز کردن چمدونم شدم ...

منتظر قسمت دوم بمونید !
وحیده قاسمی



طب اسلامی و کرونا

در این جا قصد داریم و یروس کرونا و راه های درمان اسلامی آن را معرفی کنیم. و یروس کرونا از و یروس های تازه شناخته شده است، که با علائم تب، سرفه، آبریزش بینی و تنگی نفس بروز می کند؛ البته این علائم با توجه به سن ابتلا و وجود بیماری های دیگر در فرد مبتلا متفاوت است.

در روایات جهت پیشگیری از مبتلا شدن به بیماری های واگیردار (کرونا) تدابیری لحاظ شده است که در این جا ما چند تدبیر عمومی را نام می بریم:

۱- خوردن ناشتا یک قاشق مربا خوری عسل به همراه هفت عدد سیاه دانه.

۲- توصیه میشود هر روز در خانه اسپند و کندر دود شود.

۳- روغن مالی بدن با روغن بنفشه یا روغن زیتون



یک ثمر بشکسته بهتر

عرض سلام ، خدمت تمام مشتاقان حقیقت ،
در این مطلب سعی بر آن داشتیم تا ؛ پاسخ
ریشه ای سوال های زیر را (که احتمالا
سوالهای اغلب شما عزیزان، است) را بدهیم :
۱. تأثیر نظام آموزشی، در آینده جامعه چیست؟!
۲. آیا غرب واقعا ، خیر خواه و حامی حقوق
جهانیان است؟!

۳. چرا با وجود پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز اوضاع مملکت؛ آن که باید باشد، نیست ؟!
 ۴. آیا آمریکا واقعا، دوست دار مردم ایران است ؟!
 ۵. چرا هنوز در جامعه، اینقدر بیکار داریم؟!
 ۶. چرا جمعیت جوان ایران، دارد رو به پیری می رود ؟!
 ۷. چرا اینقدر اختلاس و پولشویی و فساد در بین اغلب مسئولین دولتی ایران، وجود دارد ؟!
 ۸. ریشه این مشکلات، در چیست؟!
 ۹. برای اصلاح اوضاع کشور و پیشرفت، چه باید کرد؟!
 ۱۰. چرا روزه روز اشرافی گری و اسراف و مدگرایی، طرفداران بیشتری پیدا می کند؟!
 ۱۱. چرا شوق جوانان به ازدواج، رو به کاهش است ؟!
 ۱۲. چرا آمار طلاق، رو به افزایش است ؟!
 ۱۳. چرا بعضی از جوانان ما، روحیه و امید خود را از دست داده اند ؟!
 ۱۴. چه چیزی حس حقارت و خود کم بینی را در جوانان ما، ایجاد می کند ؟!
 ۱۵. تأثیر واقعی رسانه هایی چون تلویزیون، ماهواره، فضای مجازی و... در بوجود آمدن وضع موجود، چه قدر است ؟!
- در سال ۱۳۵۷ ، به لطف خدا و اراده استوار ملت پاک و شریف و مسلمان ایران، انقلابی عظیم رقم خورد "انقلاب اسلامی ایران" که دل مستکبران عالم را لرزاند و باعث بیداری امت مسلمان در تمام جهان شد. انقلاب ما به پیروزی رسید زیرا مردانی چون: شهیدان مطهری، بهشتی، چمران، آوینی، سلیمانی و خیلی دیگر از بزرگ مردانی که در مکتب امام خمینی (ره) تربیت شده بودند، همت گماردند و شد؛ آنچه باید می شد !
- الحمدالله این انقلاب با یاری خدا و رهبری امام خامنه ای (مدظله العالی) و تربیت یافتگان امام خمینی (ره) با وجود همه ی وسوسه هایی که غیرقابل مقاومت به نظر میرسیدند؛ به ۴۰ سالگی رسید، در حالی که از آرمان هایش به هیچ عنوان دست نکشید. حالا وارد گام دوم این انقلاب شده ایم، و سربازان اصلی این گام و میدان، من و شما ی جوان هستیم باید بگویم مهم ترین چیز که این انقلاب را تا به اینجا رساند ؛ یاری خدا ، ایمان ، اراده و توکل تربیت یافتگان مکتب امام (ره) بود. و اما سوال من اینجا است، تربیت نیروی آینده ساز کشور، کار کدام نهاد دولتی است ؟
- مسلمان می گوئید آموزش و پرورش، اما آیا آموزش و پرورش کنونی ما، به گونه ای است که نیروهایی تربیت کند، که پاسداران و آینده سازان این انقلاب عظیم باشند ؟!
- متأسفانه؛ پاسخ خیر است !



آموزش و پرورش کنونی ما میراثی است از "غرب" که توسط مسئولین غرب زده و پست ما، حدود صد سال پیش به ایران وارد شد، اما این غرب زدگی و پستی و حقارت در زمان پهلوی به اوج خود رسید و دوران استحاله فرهنگی ما همان دوران پهلوی بود، ما نمیگوییم از تجربه های دیگر کشور ها، نباید به هیچ عنوان استفاده کنیم؛ بلکه میگوییم، اگر میخواهیم از تجربه های دیگران استفاده کنیم با آغوش باز و تمام و کمال همه ی آن تجربه ها را نیاوریم در اینجا پیاده کنیم، بلکه آنها را متناسب با عقاید و افکار و آرمان های خودمان به کار بگیریم، که متأسفانه در دوران پهلوی، همان پذیرش با آغوش باز را پیش گرفتند. اما حقیقتاً مگر این آموزش و پرورش چقدر میتواند در تربیت نیرو و آینده ساز برای کشور موثر باشد؟! در اهمیت این نهاد هرچه بگوییم کم است؛ آموزش و پرورش در واقع اصلی ترین نظام زیر بنایی کشور، سنگ بنای آینده کشور و آن کانون اساسی برای خلق دنیای آینده است، حساس ترین و مهم ترین بخش اداره کشور؛ آموزش و پرورش است. از دل این آموزش و پرورش است که نیروی انسانی کارآمد و آینده ساز بیرون می آید؛ نیروی انسانی که؛ مهم ترین ثروت یک جامعه است؛ یک کشور هرچند هم منابع و معادن و ثروت های طبیعی داشته باشد ولی اگر نیروی انسانی آزاده، متفکر، خلاق و آینده ساز نداشته باشد تا آنها را به کار گیرد، به هیچ دردی نمی خورد!

حال به نظر شما از دل نظام آموزش و پرورش کنونی ما که میراث "غرب" است، می شود آینده ساز و آرمان خواه انقلاب اسلامی تحویل جامعه داد؟!!

ما منکر تغییراتی که بعد از انقلاب در نظام آموزشی و همچنین محتوای کتاب های درسی ایجاد شده نمی شویم، اتفاقاً خوب هم هست ولی این ها، کار را به جایی نمی برند، گذاشتن چند واحد درسی معارف در بین دروس دانشگاهی کار را به جایی نمی برد، این خانه از پای بست ویران است! خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج؛ این نظام آموزش و پرورش کنونی ما، باید از ریشه متحول شود و بر مبنای تفکر اسلام ناب، شکل گیرد. وقتی یک انقلاب رخ می دهد باید برای خود ادبیاتی تدوین کند که؛ برخاسته از آرمان ها و تفکرات آن انقلاب است، اگر بخواهد با ادبیات بیگانه ای که تفکراتش کاملاً ضد آرمانهای آن انقلاب است ادامه دهد، این انقلاب زیاد دوام نمی آورد و رفته رفته تمام آرمان های خود را فراموش می کند و در واقع شکست می خورد. خطر بسیار نزدیک است! باید زودتر به پا خواست و تحولی عظیم را رقم زد. باید بدانیم دشمن ما بیکار ننشسته و صبح و شب برای ما برنامه ریزی میکند، اگر بخواهیم با همین نظام آموزشی پیش برویم جز تربیت افراد غرب پرست و خود باخته و نا امید و ناکارآمد ثمری نخواهیم داشت و این انقلاب با چنین افرادی، به سلامت به دست صاحب اصلی خویش آقا صاحب الزمان (عج) نخواهد رسید. باید به خود بیاییم و تحولی عظیم را رقم بزنیم. "سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، آن نقشه ی راهی است که؛ ما را در این حرکت تحولی عظیم رهنماست."



معلمانه

دفتر مشق من سیاه می شود، و گیسوان تو سپید
من قد می کشمو تو نفس می کشی
حتی تخته سیاه کلاسمان از شما رو سفید است
من واقعا شرمنده شمام.

یادمه سال های اول خدمتم بود و در یکی از روستاها، جغرافیا و تاریخ تدریس می کردم یه معلم جوان و پرانرژی که با عشق کار تدریس رو شروع کرده بودم و به شدت مبادی آداب و انضباط بودم. انضباط تو کلاس من حرف اول رو می زد. ابتدای سال تحصیلی هم با دانش آموزان قرار گذاشته بودیم، اگه انضباط رو رعایت کنن دوستای خوبی واسه همدیگه باشیم.

انضباط در فرهنگ لغت من شامل به موقع سر کلاس حاضر شدن و درس خواندن بود. دانش آموزی حَق نداشت بعد من وارد کلاس شود. این سخت گیری ها در مورد پرسش های کلاسی بیشتر بود. یه روز که داشتم از بچه ها درس می پرسیدم، اسم یکی از دانش آموز ها رو از روی دفتر نمره خوندم تا بلند شه واسه درس جواب دادن. استرس رو به وضوح تو چهره اش می دیدم، حدس زدم که درس نخونده باشه. سوال اول رو ازش پرسیدم، جوابش رو بلد نبود؛ سوال دوم، سوال سوم، سوال بعدی، بعدی و بعدی جواب هیچ کدومشون رو بلد نبود. حدسم درست از آب در اومده بود اصلا روی کتاب رو هم باز نکرده بود. از دستش حسابی کفری شدم، جلسه قبل اعلام کرده بودم می پرسم با این حال بازم نخونده بود. احساس می کردم حرفم بدجوری روی زمین مونده، پس از کلاس اخراجش کردم و در حالی که میدونستم صورتم از عصبانیت رو به قرمزی می ره بهش گفتم: تایدرت مدرسه نیاد، اجازه نمی دم سر کلاس من بشینی. یهو دیدم نماینده کلاس مثل جن زده ها از جاش بلند شد وبا ترس و لرز و گفت: آقا ... اجازه .. پدرش فوت کرده، عموش می تونه به جای پدرش به مدرسه بیاد؟ خشکم زد.

حرفش مثل سطل آب سردی بود که روی تمام وجودم ریخته باشن، که حتی اون آتیش تند و داغ خشم و عصبانیت رو خاموش کرد و به جاش خاکستر ندامت و پشیمونی رو برام به جا گذاشت و حس عذاب وجدانی که تا یه مدت مثل خوره روحمو می خورد از اون سال به بعد هر سال قبل از شروع اولین جلسه مشخصات دانش آموزها رو از دفتر مدرسه می گرفتم.

ادامه دارد...
زینب کریمی



رتبه بندی

یا بازی با اعتبار معلمان؟!



هدف طرح رتبه بندی چیست؛ صرفاً افزایش حقوق معلمان یا ارتقای انگیزه معلمان برای کار و به تبع آن افزایش کیفیت در آموزش و پرورش؟

طرحی که با عنوان رتبه بندی معلمان در ابتدای امسال از سوی معاون اول رئیس جمهور ابلاغ شد، شباهتی به طرحی که در راستای سند تحول بنادین آموزش و پرورش باید تهیه میشد ندارد و بعید است این طرح بتواند دردی از مشکل معلمان دوا کند. یکی از بندهای سند تحول آموزش و پرورش، رتبه بندی معلمان است تا در این رتبه بندی معلمان ارتقای رتبه و آموزشی داشته باشند و همزمان با دانش روز پیش بروند، یعنی یک معلم تصور نکند همین که به استخدام آموزش و پرورش درآمد دیگر نیاز به آموزش و تجدید معلومات و به کار بردن خلاقیت ندارد. متأسفانه اکنون برخی معلمان به ویژه در مقطع دبیرستان با توجه به تغییر کتب آموزشی و تغییرهای فرهنگی جامعه نیاز به آموزش هایی دارند که باید این آموزشها بروز باشد. معلم باید تحقیق کند و برای شیوه تدریس خود طرح درس داشته باشد و معلمان نباید همین که ساعت درسی تمام شد دیگر تا فردا، کاری به کلاس و مدرسه نداشته باشند. قرار بود شرایطی پیش آید که حتی یک معلم که در آستانه بازنشستگی هم قرار دارد انگیزه کافی برای رشد جایگاه خود، برای تاثیر گذاری بیشتر در آموزش و پرورش دانش آموزان داشته باشد. متأسفانه این ابلاغیه، اصلاً هیچ شباهتی به رتبه بندی معلمان ندارد

بیشتر هدف آن حل مشکلات معیشتی معلمان است چون معلمان نسبت به پایین بودن حقوق خودشان اعتراض دارند. درحالیکه هدف از طرح اولیه در سند تحول، رشد و ارتقای جایگاه علمی، مهارتی و... معلم برای افزایش کیفیت آموزش و پرورش بود. که با این هدف، خود به خود حقوق آن ها هم افزایش می یافت. اما این طرح تنها به افزایش حقوق معلمان توجه دارد. در نظام رتبه بندی معلمان بر اساس ۴ رتبه مربی معلم، استاد یار معلم، دانشیار معلم و استاد معلم تقسیم بندی می شدند و براین اساس معلمان، ۸۰ درصد حقوق هم پایه خود در دانشگاه را دریافت میکنند و دقیقاً معلمان هم پای اساتید دانشگاه می شوند. اما در این طرح معلمان به گروه های ارشد، خبره و عالی



حداقل ۱۵ و حداکثر ۵۰ درصد حق شغل معلمانی که رتبه یک تا ۴ را بدست آورند اضافه می شود و بین ۱۵۰ تا ۶۰۰ هزار تومان افزایش حقوق وجود دارد.

این افزایش آنها را به حقوق کارمندی میرساند در حالیکه یک معلم جایگاهی بیش از این دارد و حتی وظیفه اوزاساتید دانشگاه هم بیشتر است و حساس ترین سال های زندگی فرزندان ما با معلمان میگذرد. افزایش کمی نمیتواند انگیزه چندان در معلمان برای رشد علمی به وجود آورد. اکنون نظام آموزشی کشور به معلمان با انگیزه و توان علمی کشور نیاز دارد و وزیر باید در این زمینه تلاش کند که این هم نیاز به یک برنامه ریزی درازمدت دارد و با تصمیم های مقطعی نمیتوان دردی از این مشکلات برطرف کرد.

راضیه اسکندری



تقسیم می شوند که در قانون خدمات کشوری هم به آن اشاره شده است. همچنین دانشگاه فرهنگیان در کنار این طرح باید رشته هایی را تعریف میکرد تا معلمان تخصص ببینند. مثالی در رابطه با این موضوع قابل ذکر است؛ که در گذشته معلم دوره راهنمایی، زمانی که فوق دیپلم علوم تجربی یا علوم ریاضی داشت میتوانست چند درس دیگر را هم در مدرسه تدریس کند، اما قرار بود که در دانشگاه فرهنگیان در مقطع کارشناسی رشته های چندمهارتی تعریف شود. اما این موضوع در سندی که ارائه شده عنوان نشده است. به هر حال ما برای ارتقا جایگاه نقش معلم در جامعه نیاز داریم تایک هم سنجی میان معلمان و اساتید دانشگاه صورت بگیرد و پس از آن طرح رتبه بندی اجرا شود تا معلمی که خالقیت دارد برتر دیده شود. اگر در نظر بگیریم که هدف از طرح، ارتقا معیشت معلمان بوده باز هم مشکل دارد چون وضعیت بازنشستگان سال های قبل مشخص نیست. هر چند که وزیر بارها اعلام کرده که از حضور آن ها استفاده میکند اما تاکنون خبری نبوده است. تا کنون منتقدان هم اعلام کردند که این طرح به طور "مقطعی" مشکلات را حل میکند هر چند که برای همین کوتاه مدت هم باز معلمان را راضی نکرده است و آنها با این تورم انتظار افزایش بیش از این را دارند. طبق آنچه در مصوبه مصوبه هیئت وزیران آمده است:



کتابخوب

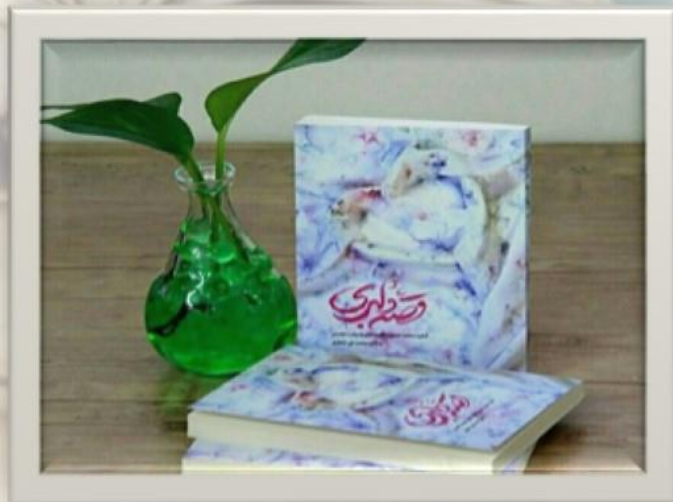
خانم مربی

کتاب "خانم مربی" به کوشش مرضیه ذاکری به مسائل تربیتی و آموزشی نسلهای بعد از انقلاب پرداخته و جایگاه تربیت دینی، سبک زندگی خانوادگی صحیح و حفظ ارزش های انقلابی را با روایتی شیرین از خاطرات شفاهی مربی با سابقه پرورشی در دهه ها ۶۰، ۷۰ و ۸۰، تبیین کرده است. که موضوعات مختلف فرهنگی با رعایت کیفیت، عمق، تنوع و شیوایی به عنوان شاخصه های کار مفید تربیتی و انسان ساز است.

محتوای جذاب و نکات ظریف تربیتی بسیاری که در این کتاب آمده، باعث میشود "خانم مربی" را کتاب کار معلمان و مربیان و کتاب کار مادران و همسران جوان بدانیم.

قصه دلبری

کتاب قصه ی دلبری، نوشته ی محمد علی جعفری داستان زندگی و شهادت محمد حسین محمد خانی به روایت همسرش، مرجان در علی است. شهید از فعالان بسیج دانشجویی بود و در عملیات های تفحص پیکر شهدای دفاع مقدس شرکت میکرد کتاب قصه دلبری روایتی از سبک زندگی این شهید است که همسرش



از روزهای آشنایی در بسیج دانشجویی تارو زهای پس از شهادت او را بازگو میکند او با ماجراهایی که در دانشگاه داشتند کتاب قصه دلبری را آغاز میکند و از خواستگاری های پی در پی او میگوید. تا به زمانی که میرسد که نظرش عوض میشود و تصمیم میگیرد که به این خواستگار جواب مثبت بدهد. در واقع این کتاب روایت عاشقانه ۵ سال زندگی مشترک با شهید محمدخانی است.

زهرا انور